

ارتباط متغیرهای جمعیت شناختی با ریسک فرار از منزل در دختران نوجوان شهر مشهد

حسین شاره

دانشجوی دکتری روان شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی ایران

خلاصه

مقدمه: در سال های اخیر فرار از منزل به ویژه در دختران نوجوان رو به افزایش است. مطالعات و تحقیقات زیادی پیرامون دختران فراری صورت گرفته است، اما مطالعات در زمینه ریسک فرار از منزل بسیار اندک می باشد. هدف از انجام این مطالعه بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت شناختی با ریسک فرار از منزل در دختران نوجوان بود.

روش کار: این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. ۵۰۰ نفر از دانش آموزان دختر مقطع متوسطه و پیش دانشگاهی مناطق ۲، ۵ و ۷ آموزش و پرورش شهر مشهد که به شیوه تصادفی طبقه ای خوشه ای انتخاب شده بودند، با استفاده از پرسش نامه های ویژگی های جمعیت شناختی و ریسک فرار از منزل مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها به کمک همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی شفه تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: تحلیل داده ها نشان داد که بین سن آزمودنی ها ($P < 0/01$)، تعداد اعضاء خانواده ($P < 0/05$)، درآمد والدین ($P < 0/01$)، سن و سطح تحصیلی والدین ($P < 0/01$) با ریسک فرار دختران از منزل رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل واریانس یک راهه و آزمون شفه حاکی از تاثیر وضعیت تحصیلی ($P < 0/01$)، ترتیب تولد ($P < 0/05$) و نوع سرپرست ($P < 0/05$) بر ریسک فرار از منزل بود. ارتباط سایر متغیرها با ریسک فرار از منزل معنادار نبود.

بحث: نتایج بیانگر ارتباط برخی از متغیرهای جمعیت شناختی با ریسک فرار از منزل در دختران بود.

واژه های کلیدی: دختران فراری، فرار از منزل، متغیرهای جمعیت شناختی

مقدمه

براساس مطالعات شبکه ملی فرار و خدمات جوانان در ۳ درصد از خانواده های آمریکایی سالانه یک نوجوان از خانه فرار می کند (۵). همچنین از هر ۹ دانش آموز یک نفر سابقه فرار از منزل دارد (۶). تحقیقات نشان می دهد که این معضل در دختران نوجوان از شیوع بالاتری برخوردار می باشد (۹، ۲-۷)، به طوری که ۷۵٪ افرادی که از خانه فرار می کنند دختر هستند (۱۰).

در ایران نیز تعداد نوجوانان فراری به گونه ی نگران کننده ای در حال افزایش است، به طوری که تعداد دختران فراری در سال ۱۳۷۸، ۲۰ برابر بیشتر از سال ۱۳۶۵ بوده است و در چهار ماهه آخر سال ۱۳۸۰، ۶۱۵۶ نوجوان فراری دستگیر شده اند (۱۱). به طور متوسط روزانه ۴۹ مورد فرار از منزل به مرکز ساماندهی کودکان و نوجوانان فراری وابسته به شهرداری تهران گزارش می شود (۱۲).

فرار از منزل از عمده ترین مقولاتی است که توسط روان شناسان، جامعه شناسان، درمانگران، روان پزشکان و مربیان تربیتی مورد توجه قرار گرفته است (۱). شارلین و مور-باراک (۱۹۹۲) فرار از منزل را به معنی دور شدن از منزل به مدت ۲۴ ساعت یا بیشتر می دانند که بدون اطلاع والدین و یا برخلاف میل آن ها صورت گیرد (۲). تخمین های محافظه کارانه حاکی از آن است که سالانه ۲ درصد نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله از منزل فرار می کنند (۱). تصور می شود تا ۱/۳ میلیون نوجوان و جوان در ایالات متحده در خیابان ها یا پناهگاه های موقتی اضطرابی زندگی کنند (۳، ۴).

آدرس مؤلف مسئول: تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیایش، نبش خیابان شهید منصوری، انستیتو روان پزشکی تهران - مرکز تحقیقات بهداشت روان
تلفن تماس: ۰۲۱-۶۶۵۵۱۶۵۵

Email: hsharreh@yahoo.com.au

تاریخ وصول: ۸۵/۵/۴ تاریخ تایید: ۸۶/۱۱/۲۲

روش کار

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای خوشه‌ای صورت گرفت. به این ترتیب که ابتدا از بین مناطق آموزش و پرورش شهر مشهد سه منطقه به طور تصادفی انتخاب شد و سپس از هر منطقه ۲ دبیرستان یا پیش‌دانشگاهی بیرون کشیده شد. با در نظر گرفتن نسبت کل دانش‌آموزان مناطق و همچنین با حفظ نسبت متغیرهای پایه‌ی تحصیلی و رشته تحصیلی، نمونه‌ای به حجم ۵۰۰ نفر از بین دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دبیرستان و دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی به طور تصادفی انتخاب شد. بر روی این نمونه پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و پرسش‌نامه ریسک فرار از منزل اجرا شد. پرسش‌نامه ریسک فرار از منزل توسط حیدری (۱۳۸۳) در ۱۰ محور و با آیتم‌های دو یا چند گزینه‌ای ساخته شده که روایی محتوایی آن توسط اساتید روان‌شناسی و کارشناسان آسیب‌های اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی بازآزمایی در مدت دو هفته برای دختران فراری $I=0/92$ و برای دختران عادی $I=0/96$ به دست آمده که پایایی بالایی می‌باشد. حداقل نمره در این پرسش‌نامه ۷۴ و حداکثر نمره آن ۳۲۳ است. نمره برش این پرسش‌نامه (۱۶۵) مشخص‌کننده افرادی است که در معرض خطر جدی برای فرار از منزل هستند (۲۳). پرسش‌نامه‌ی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی که توسط محقق ساخته شده است، اطلاعاتی در مورد سن آزمودنی‌ها، میزان تحصیلات، رشته‌ی تحصیلی، وضعیت تحصیلی، ترتیب تولد، تعداد اعضای خانواده، نوع سرپرست، درآمد والدین، سن والدین، سطح تحصیلات برانگیزاننده گرایش نوجوانان به بزهکاری و تمایل آنان به والدین، شغل پدر، شغل مادر و وضعیت زندگی زناشویی والدین به دست می‌دهد.

در پژوهش حاضر، انجام دهندگان آزمون‌ها دو نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد روان‌شناسی بودند که درباره‌ی شیوه انجام آزمون‌ها آموزش لازم را دیده بودند. در جمع‌آوری داده‌ها آزمونگران موظف بودند هر دو پرسش‌نامه را به آزمودنی‌ها داده و پس از اتمام کار با بررسی دقیق،

در یک تحقیق سن، سابقه غفلت و سوء استفاده‌ی جنسی مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای اولین فرار بودند (۱۳). در پژوهش‌های دیگر نیز فقر، درآمد پایین و وضعیت اقتصادی نامناسب (۱۸-۱۴)، بیکاری والدین یا شغل‌های سطح پایین مثل کارگری (۱۸، ۱۷)، تعداد زیاد اعضای خانواده (۲۱، ۱۸، ۱۷)، غیبت والدین از خانه (۲۰، ۱۹)، جدایی، متارکه و طلاق والدین (۱۸، ۱۷، ۶)، تک والدی و فوت والدین (۱، ۱۸)، وجود ناپدری و نامادری، سردی روابط عاطفی والدین (۱۷)، فقدان مراقبت و عشق دو طرفه، عدم شایستگی در اداره‌ی رفتار کودکان، مشکل ارتباطی با اعضای خانواده، طرد شدن از سوی والدین، همچشمی و رقابت با همشیرها، موقعیت‌های غیرقابل تحمل و تعارضی در خانواده (۶)، ناپایداری و از هم پاشیدگی خانواده (۶، ۱۷، ۱۶، ۲۱)، اعتیاد و سابقه‌ی سوء مصرف مواد در والدین (۱۷، ۶)، خشونت، استفاده از تنبیه شدید به ویژه تنبیه بدنی توسط والدین و رفتارهای خصمانه نسبت به یکدیگر (۶، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲)، نحوه نظارت والدین (۲۱) بحث و جدل با والدین (۲۰)، فقر فرهنگی و بی‌سوادی یا تحصیلات پایین فرد و والدین (۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱)، فرار از مدرسه، تجارب نامطلوب مدرسه، نگرش منفی نسبت به مدرسه، ضعف تحصیلی و مشکلات رفتاری در مدرسه (۱۹، ۱۷، ۶، ۱)، چگونگی گذراندن اوقات فراغت (۲۱)، فضاهای کوچک برای زندگی، زندگی در محلات شلوغ، نوع مسکن و نوع تملک آن انحرافات والدین (۱۸)، فشار همسالان و حاملگی در نوجوانی (۱۶) از جمله عوامل فرار و بی‌خانمانی تشخیص داده شده است.

فرار از منزل از جمله معضلات مهم اجتماعی مورد مطالعه بوده است. از طرف دیگر بیشتر تحقیقات مربوط به این حیطه، بعد از فرار دختران و بر روی دختران فراری صورت گرفته است. مزیت این پژوهش این است که به بررسی نقش عوامل جمعیت‌شناختی بر ریسک فرار از منزل از طریق مطالعه نمونه‌ای از دختران عادی (و نه فراری) پرداخته است. نتایج این پژوهش می‌تواند در جهت شناسایی افراد در معرض فرار، یاری‌کننده باشد.

انحراف استاندارد آن برابر ۲۵/۵۸ و متوسط سن آزمودنی‌ها ۱۷/۴۴ و انحراف استاندارد آن ۰/۷۳ بود. نمرات ریسک فرار در ۵۴ نفر از آزمودنی‌ها (۱۰/۸ درصد) ۱۶۵ و بالاتر بود. به عبارت دیگر، ۱۰/۸ درصد آزمودنی‌ها در معرض جدی فرار از منزل بودند. سایر ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌ها در جدول (۲و۱) نشان داده شده است. در این جداول برای برخی از متغیرها حجم نمونه کمتر از ۵۰۰ درج شده است زیرا علیرغم تلاش آزمونگران در تشویق آزمودنی‌ها برای پاسخ به تمام موارد موجود در پرسش نامه‌ها، به دلیل بالا بودن حجم نمونه امکان کنترل همه آن‌ها وجود نداشته و برخی از آزمودنی‌ها به بعضی از سؤال‌ها پاسخ نداده‌اند.

چنانچه آزمودنی‌ها سئوالی را بی پاسخ گذاشته بود از او درخواست کنند که به آن سؤال پاسخ دهد. با توجه به این که همه آزمودنی‌ها برای پاسخ گویی به پرسش نامه‌ها مورد بررسی دقیق قرار گرفتند، ریزش نمونه وجود نداشت. در صورتی که یکی از آزمودنی‌ها علیرغم تشویق آزمون گران حاضر به پاسخگویی نمی شد آزمودنی دیگری از همان کلاس و در همان رشته تحصیلی جایگزین می شد. داده‌های گردآوری شده به کمک همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی شفه تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

میانگین نمرات ریسک فرار در آزمودنی‌ها برابر با ۱۲۸/۲۱ و

جدول ۱- مشخصات جمعیت شناختی دختران نوجوان شهر مشهد که مورد مطالعه قرار گرفتند

درصد	تعداد	عوامل جمعیتی	
۵۸/۴	۲۹۲	۲	مناطق آموزش و پرورش
۱۳/۸	۶۹	۵	
۲۷/۸	۱۳۹	۷	
۳۲/۴	۱۶۲	دوم دبیرستان	پایه تحصیلی
۲۶/۶	۱۳۳	سوم دبیرستان	
۴۱	۲۰۵	پیش دانشگاهی	
۴۱/۲	۲۰۶	انسانی	رشته تحصیلی
۳۴/۲	۱۷۱	تجربی	
۲۴/۶	۱۲۳	ریاضی	
۱۵/۴	۷۱	اول	ترتیب تولد
۱۸/۳	۸۴	دوم	
۵۵/۹	۲۵۷	سوم	
۱۰/۴	۴۸	چهارم یا بالاتر	
۷۷/۶	۳۳۰	آزاد پدران	شغل والدین
۸/۱	۳۱	آزاد مادران	
۱۹/۵	۸۳	اداری پدران	
۱	۴	اداری مادران	
۲/۸	۱۲	بیکار پدران	
۹۰/۹	۳۴۹	خانه‌دار مادران	درآمد والدین
۱۹/۸	۵۹	زیر ۱۰۰ هزار تومان	
۴۳	۱۲۸	بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان	
۱۸/۸	۵۶	بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان	
۱۸/۵	۵۵	بالاتر از ۲۰۰ هزار تومان	وضعیت زناشویی والدین
۸۹	۴۴۵	زندگی مشترک	
۲/۴	۱۲	طلاق	
۸/۶	۴۳	فوت	والدین به صورت مشترک
۴/۲	۴۱۲	والدین به صورت مشترک	
۸۵/۸	۲۰	پدر	
۹/۲	۴۴	مادر	
-	-	ناپدري	
-	-	نامادری	نوع سرپرست
۰/۸	۴	سایر موارد	
۵/۶	۲۸	عالی (A)	
۳۲	۱۶۰	خوب (B)	وضعیت تحصیلی
۵۷/۶	۲۸۸	متوسط (C)	
۴/۸	۲۴	ضعیف (D)	

جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد سن، تعداد اعضاء خانواده،

سن و تحصیلات والدین آزمودنی‌ها

متغیرها	میانگین (انحراف استاندارد)
سن آزمودنی‌ها(سال)	۱۷/۴۴ (۰/۷۳)
تعداد اعضاء خانواده	۶/۷۴ (۱/۹۴)
سن مادران(سال)	۳۹/۴۲ (۵/۹۵)
سن پدران(سال)	۴۵/۲۸ (۷/۷۳)
میزان تحصیلات پدران(سال)	۶/۶۱ (۳/۲۸)
میزان تحصیلات مادران(سال)	۵/۴۴ (۲/۵۷)

در جدول شماره (۳) ضرایب همبستگی برخی از مؤلفه‌های جمعیت شناختی با ریسک فرار دختران از منزل آورده شده است. با توجه به داده‌های این جدول مشخص می‌شود که بین متغیرهای جمعیت‌شناختی سن، تعداد اعضاء خانواده، درآمد والدین، سن و سطح تحصیلی والدین با ریسک فرار دختران از منزل رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه سن آزمودنی‌ها، تعداد اعضاء خانواده و سن پدر و مادر بالاتر باشد ریسک فرار دختران از منزل بیشتر است و هر چه سطح تحصیلی والدین و درآمد آن‌ها کمتر باشد ریسک فرار دختران از منزل افزایش می‌یابد جدول شماره (۳).

جدول ۳- ضرایب همبستگی بین سن، تعداد اعضاء خانواده، درآمد والدین، سن و سطح تحصیلی والدین با ریسک فرار از منزل

متغیر	ضریب همبستگی با ریسک فرار دختران از منزل
سن	۰/۱۶**
تعداد اعضاء خانواده	۰/۱۴*
درآمد خانواده	-۰/۱۵**
سن پدر	۰/۱۳*
سن مادر	۰/۲۰**
سطح تحصیلات پدر	-۰/۳۳**
سطح تحصیلات مادر	-۰/۱۶**

* ضریب همبستگی در سطح $P < 0/05$ معنادار است.** ضریب همبستگی در سطح $P < 0/01$ معنادار است.

به منظور تعیین اثر متغیرهای اسمی چند ارزشی این پژوهش بر ریسک فرار دختران از منزل، از تحلیل واریانس یک راه استفاده شد.

همان طور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود تفاوت نمرات ریسک فرار از منزل دختران در متغیرهای پایه تحصیلی (با سه سطح: دوم دبیرستان، سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی)، رشته تحصیلی (با سه سطح: انسانی، تجربی و ریاضی)، شغل پدر (با سه سطح: آزاد، اداری و بیکار)، شغل مادر (با سه سطح: آزاد، اداری و خانه‌دار) و وضعیت زندگی زناشویی والدین (با سه سطح: زندگی مشترک، طلاق و فوت) معنادار نبود. بنابراین، این متغیرها تأثیر خاصی بر ریسک فرار دختران از منزل نخواهند داشت. اما نتایج بیانگر این است که ترتیب تولد، نوع سرپرست آزمودنی‌ها و وضعیت تحصیلی آن‌ها بر ریسک فرار از منزل موثر است. مقایسه میانگین‌ها از طریق آزمون شفه نشان داد نمرات ریسک فرار از منزل در دخترانی که فرزند چهارم و بالاتر بودند بیشتر از نمرات ریسک فرار از منزل دخترانی بود که فرزند اول یا دوم بودند و دخترانی که تنها تحت سرپرستی پدر بودند در مقایسه با دخترانی که هر دو والد از آن‌ها سرپرستی می‌کردند نمرات ریسک فرار بالاتری داشتند. میانگین نمرات ریسک فرار در دخترانی که معدلی بین ۱۸ تا ۲۰ (A) داشتند کمتر از کسانی بود که معدل دروس سال قبل آن‌ها زیر ۱۰ (D) یا بین ۱۰ تا ۱۵ (C) بود. همچنین دخترانی که معدل دروس آنها بین ۱۵ تا ۱۸ (B) بود نسبت به آن‌هایی که معدلی بین ۱۰ تا ۱۵ و یا زیر ۱۰ داشتند، میانگین نمرات ریسک فرار کمتری گرفته بودند. به علاوه میانگین نمرات ریسک فرار در دخترانی که معدل شان زیر ۱۰ بود بیش از سایر افراد بود.

بحث

بنا بر نتایج تحقیق، هر چه سن دختران نوجوان بالاتر می‌رود احتمال بیشتری وجود دارد که از منزل فرار کنند، احتمالاً به این دلیل که نسبت به گذشته نیاز کمتری به حمایت والدین داشته و در جستجوی استقلال بیشتری هستند. این یافته با نتایج پژوهش یودر، وایتبک، و هویت (۱۳) همخوان است. همچنین هر چه سن والدین زیادت‌تر باشد ریسک فرار از منزل افزایش می‌یابد، احتمالاً به این خاطر که هر چقدر فاصله‌ی سنی بین والدین با فرزندان شان بیشتر باشد، از توانایی کمتری برای فهم نیازها و خصوصیات نسل جدید برخوردار خواهند بود.

جدول ۴- مقایسه‌ی میانگین نمرات ریسک فرار از منزل دختران در متغیرهای پایه‌ی تحصیلی، رشته‌ی تحصیلی، شغل پدر، شغل مادر، وضعیت زندگی زناشویی والدین، ترتیب تولد، نوع سرپرست و وضعیت تحصیلی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پایه‌ی تحصیلی	بین گروهی خطا	۴۰۳۱/۵۸ ۳۲۲۶۰۵/۰۹	۲ ۴۹۷	۲۰۱۵/۷۹ ۶۴۹/۱۰	۳/۱۰	۰/۰۴۶
رشته‌ی تحصیلی	بین گروهی خطا	۸۴/۲۵ ۳۲۶۵۵۲/۴۲	۲ ۴۹۷	۴۲/۱۲ ۶۵۷/۰۴	۰/۰۶۴	۰/۹۳۸
شغل پدر	بین گروهی خطا	۱۱۴۹/۱۱ ۲۷۴۸۰۷/۸۳	۲ ۴۲۲	۵۷۴/۵۵ ۶۵۱/۲۰	۰/۸۸۲	۰/۴۱۵
شغل مادر	بین گروهی خطا	۳۰۶۲/۸۳ ۲۴۵۲۱۸/۱۳	۲ ۳۸۱	۱۵۳۱/۴۱ ۶۴۳/۶۱	۲/۳۷	۰/۰۹۴
وضعیت زندگی زناشویی والدین	بین گروهی خطا	۱۵۳/۲۲ ۳۲۶۴۸۳/۴۵	۲ ۴۹۷	۷۶/۶۱ ۶۵۶/۹۰	۰/۱۱۷	۰/۸۹۰
ترتیب تولد	بین گروهی خطا	۹۸۶۷/۷۱ ۲۹۵۵۱۵/۷۳	۳ ۴۵۶	۳۲۸۹/۲۳ ۶۴۸/۰۶	۵/۰۷	۰/۰۰۲*
نوع سرپرست	بین گروهی خطا	۸۸۹۲ ۳۱۲۹۹۱/۱۹	۳ ۴۷۶	۲۹۶۴ ۶۵۷/۵۴	۴/۵۰	۰/۰۰۴*
وضعیت تحصیلی	بین گروهی خطا	۲۴۷۶۳/۴۳ ۳۰۱۸۷۳/۲۳	۳ ۴۹۶	۸۲۵۴/۴۸ ۶۰۸/۶۱	۱۳/۵۶	۰/۰۰۰**

** تفاوت میانگین‌ها در سطح $P < 0.01$ معنادار است.

* تفاوت میانگین‌ها در سطح $P < 0.05$ معنادار است.

فرار از منزل در فرزندان چهارم به بعد را می‌توان ناشی از حس پایین‌تر مسئولیت‌پذیری و مطیع بودن این دختران نسبت به فرزندان قبلی دانست. همسو با سایر مطالعات (۱۹، ۱۷، ۱۶)، سطح تحصیلی ضعیف نیز باعث افزایش ریسک فرار از منزل می‌شود. ضعف تحصیلی علاوه بر این که ممکن است ناشی از نقص در توانایی‌ها و استعدادهای ذهنی باشد، می‌تواند از سایر مشکلات شکننده‌ای که در خانواده و محیط بیرون از مدرسه وجود دارد نشأت بگیرد. این گونه دختران ممکن است در اثر این فشارها، علاقه‌ی خود به تحصیل را از دست داده و ترک تحصیل نمایند. سطح تحصیلات والدین نیز نقش مؤثری در ریسک فرار دختران از منزل دارد که این یافته هم با یافته‌های دیگران (۲۱، ۱۸، ۱۷، ۱۶) همخوان است. والدینی که تحصیلات بیشتری دارند احتمالاً از توانایی‌ها و مهارت‌های بهتری برای برخورد با چالش‌های زندگی و بررسی نیازهای فرزندان خود برخوردار بوده، سعی می‌کنند جو خانوادگی لذت‌بخشی را برای فرزندان خود به ارمغان بیاورند که در آن با اطمینان به تحصیل ادامه دهند و این خود مانع از فرار از منزل می‌شود.

مطالعات زیادی نشان داده‌اند که بین درآمد کم والدین با ریسک فرار از منزل ارتباط وجود دارد (۱۸-۱۳) که این یافته در تحقیق حاضر مورد تایید قرار گرفت. به علاوه، همسو با سایر تحقیقات (۲۱، ۱۸، ۱۷)، با بالا رفتن تعداد اعضاء خانواده ریسک فرار از منزل افزایش می‌یابد. در خانواده‌هایی که تعداد اعضاء زیاد است، علاوه بر این که والدین از فرصت و توانایی کمتری برای رسیدگی به نیازها و مشکلات فرزندان خود برخوردارند، همچشمی بین هشمیرها نیز شایع می‌باشد که خود در فرار دختران از منزل نقش دارد (۶). همچنین دخترانی که فرزند چهارم و بالاتر هستند نسبت به دیگر فرزندان بیشتر احتمال می‌رود که از منزل فرار کنند شاید به این خاطر که تعداد اعضاء در خانواده‌ی آن‌ها بیشتر است. از طرف دیگر، نظر به نتایج پژوهش سوتون - اسمیت و روزنبرگ (۱۹۷۰) فرزندان اول دختر نسبت به سایر فرزندان مطیع‌تر و از نظر اجتماعی مسئول‌تر بوده و احساس نزدیکی بیشتری با والدین دارند (۲۴)، و این در حالی است که فرار از منزل را می‌توان نوعی سرپیچی از دستورات والدین و بی‌مسئولیتی دانست. لذا ریسک بالاتر

هستند که در طبقات اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر بیشتر دیده می‌شود. به همین دلیل می‌توان گفت نوجوانان طبقات پایین آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به این معضل اجتماعی دارند. از طرف دیگر، عواملی مانند تک والدی بودن نوجوان، سن زیاد والدین و تفاوت سنی آن‌ها با فرزندان و ترتیب تولد از عوامل مربوط به خانواده و ارتباطات درون-خانوادگی هستند. به همین خاطر محققینی که به دنبال برنامه‌های پیشگیرانه برای این دسته از نوجوانان هستند باید به این دو مقوله کلی از علل یعنی طبقه اقتصادی-اجتماعی و عوامل مربوط به خانواده توجه لازم و ویژه داشته باشند.

همچنین همسو با سایر پژوهش‌ها (۱، ۱۸)، در تحقیق حاضر مشاهده شد دخترانی که تحت سرپرستی هر دو والد به صورت مشترک هستند، نسبت به دخترانی که فقط از نعمت سرپرستی پدر برخوردارند، کمتر احتمال دارد از خانه فرار کنند. واضح است که در این خانواده‌ها، علاوه بر این که الگوی مادرانه برای فرد وجود ندارد، به خاطر نبود مادر، احتمال غفلت و سوء استفاده فیزیکی یا جنسی بیشتر بوده و دختران ممکن است مجبور به ایفای نقش مادر گردند لذا، احتمال بیشتری هست که به دنبال راهی برای خلاص شدن از این گونه محیط رنج‌آور باشند.

همان‌طور که مشاهده شد تعدادی از عوامل مؤثر در ریسک فرار دختران از منزل مانند فقر اقتصادی و فرهنگی، پایین بودن تحصیلات والدین و جمعیت زیاد خانواده از جمله عواملی

منابع

1. Deman AF. Predictors of adolescent running away behavior. *Social Behavior and Personality* 2000; 28: 261-268.
2. Sharelin SA, Mor-Barak M. Runaway girls in distress: motivation, background, and personality. *Adolescence* 1992; 27 (106): 387-405.
3. Crespi TD, Sabatelli RM. Adolescent runaways and family strife: A conflict-induced differentiation framework. *Adolescence* 1993; 28: 867-878.
4. Feitel B, Margeston N, Chamas J, Lipman C. Psychological background and behavioral and emotional disorder of homeless and runaway youth. *Hospital and Community Psychiatry* 1992; 43 (2): 155-159.
5. Garbarino J, Schellenback C, Sebes J. *Troubled youth, troubled families*, New York: Mc Graw-Hill; 1986.
6. Rohr ME. Identifying adolescent runaways: The perspective utility of the Personality Inventory for Children. *Adolescence* 1996; 31 (123): 605-23.
7. National Network of Runaway and Youth Services; 1985, available at: <http://www.nrscrisisline.org>
8. Kurtz PD, Jarvis SV, Kurtz GL. Problems of homeless youths: Empirical findings and human services issues. *Social Work* 1991; 36: 311-314.
9. Cohen E, Mackenzie RG, Yates GL. HEADS, a psychosocial risk assessment instrument: Implications for designing effective intervention programs for runaway youth. *Journal of Adolescent Medicine* 1991; 12: 539-544.
10. National Runaway Switchboard, available at: <http://www.nrscrisisline.org>
۱۱. صمدی راد انور. بررسی عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر فرار دختران. خلاصه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، ۱۳۸۱: ۱۶.
۱۲. برزگر صادق. فرار دختران، چاپ سوم، قم: نشر جمال، ۱۳۸۲.

13. Yoder K, Whitbeck LB, Hoyt DR. Event history analysis of antecedents to running away from home and being on the street. *American Behavioral Scientist* 2001; 45: 61-65.
14. Feitel B, Margeston N, Chamas J, Lipman C. Psychological background and behavioral and emotional disorder of homeless and runaway youth. *Hospital and Community Psychiatry* 1992; 43 (2): 155-159.
15. Martins SB, Ebrahim GJ. The female street children of Rio de Janeiro: A qualitative study of their backgrounds. *Trop Pediaty* 1995; 41 (1): 43-46.
16. Abdelgalil S, Gurger RG, Theobald S, Cuevas LE. Household and family characteristics of street children in Aracaju, Brazil. *Arch Dis Child* 2004; 89 (9): 817-820.
۱۷. سعیدی محمد، بررسی علل فرار نوجوانان از خانه، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳: ۸۹-۱۲۶.
۱۸. راهب غنچه. بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان دختر ساکن شهر تهران به بزهکاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۰.
19. Gilchrist L. Use of the Revised Self-Administering Lifestyle Inventory in distinguishing between runaway and non runaway adolescents. (Doctoral dissertation, Idaho State University, 1984.) *Dissertation Abstracts International* 1984; 45: 3071A.
20. Rotheram-Borus MJ, Rosario M, Koopman C. Adolescent Stress: Causes and Consequences. In Colten ME, Gore S. (Eds.). *Minority youths at highrisk: Gay males and runaway in adolescent stress.* New York; Aldine De Gruyter. 1991. 181-201.
۲۱. زواره‌ای فاطمه، بررسی علل خانوادگی، اجتماعی فرار دختران (۱۴-۲۰ سال) از منزل، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۰: ۷۲-۱۳۹.
۲۲. رستم خانی معصومه، بررسی متقابل سوگیری کارکرد خانواده (پدر و مادر) با کنش فرار دختران، خلاصه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، ۱۳۸۱: ۱۸.
۲۳. حیدری شیمیا. بررسی تأثیر آموزش تنش‌زدایی تدریجی و مهارت‌های حل مسئله بر کاهش تمایل به فرار در دختران در معرض فرار، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۸۳: ۱۴۰-۱۴۲.
۲۴. شولتز دوان، شولتز سیدنی الن (مؤلف): نظریه‌های شخصیت، ترجمه‌ی سید محمدی، یحیی. چاپ ششم. تهران: مؤسسه‌ی نشر ویرایش. ۱۳۸۳: ۱۵۸.


Abstract**Study of relation between females' runaway from home and demographic Variables**

Shareh H

I ntroduction: In recent years running away from home is increasing, especially in adolescent females. Although there are many researches in this field, yet there is a little study in risk of females running away. This study was conducted to discover the possible role of demographic characteristics in running away from home among female adolescents.

Methods and Materials: 500 females from Mashhad city high schools at local areas number 2, 5 and 7 were selected. At first the areas were chosen on cluster sampling, and then 2 schools were selected randomly from each cluster. After this subjects were selected randomly based on their high school speciality and grade being obtained. All subjects completed 2 questionnaires: demographic characteristics, and risk of running away from home. Data were analyzed by using Pearsonian correlation, one way analysis of variance, and Scheffe post hoc test.

Results: Data indicated that significant correlation were found between risk of females running away and age, family members, family income, parent age and educations. The results of one way analysis of variance and Scheffe post hoc test revealed academic achievement, birth order, and person in charge type influential in risk of running away from home among female adolescents. The influence of other variables was not meaningful.

Conclusion: This study shows that demographic characteristic have meaningful effect on the risk of females' running away from home.

Keywords: Demographic characteristic, Runaway girls, Running away from home